

معرفی و بررسی ترجمه‌ای ناشناخته از کتاب الشمائل المحمدية اثر ترمذی

حامد شکوفگی^{۱*}، امیر مؤمنی هزاه^۲

۱- دانش آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۲- دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

دریافت: ۱۴۰۰/۷/۱

پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۳

چکیده

ممنوعیت دینی شمایل‌نگاری باعث شد مسلمانان برای نمایش چهره بزرگان دینی، کتاب‌های احادیثی در توصیف ویژگی‌های ظاهری مقدسان دین به‌ویژه پیامبر اسلام (ص) تدوین کنند. ترمذی (صاحب یکی از صحاح سته اهل سنت) مؤلف یکی از نخستین و جریان‌سازترین این کتاب‌ها است. کتاب وی، مشهور به «الشمائل المحمدية»، در ۵۶ باب به احادیثی اختصاص دارد که در آن ویژگی‌های جسمانی پیامبر (ص) توصیف شده است. با وجود جریان‌سازی کتاب الشمائل در شمایل‌نگاری اسلامی، تنها یک ترجمه فارسی از آن، در روزگار معاصر به قلم مهدوی دامغانی منتشر شده است، در حالی که نسخه خطی ترجمه‌ای منظوم از این کتاب با نام «نظم الشمائل»، متعلق به قرن دهم در کتابخانه مجلس شورای اسلامی موجود است. در مقاله حاضر با روش توصیفی-تحلیلی، ضمن معرفی این تک‌نسخه، بیان ویژگی‌های زبانی و ادبی آن و میزان وفاداری‌اش به متن عربی، نشان داده‌ایم سراینده منظومه (حافظ هروی) ابتدا الشمائل را با عنوان نثرالخصائل به فارسی ترجمه و سپس ترجمه منثورش را منظوم کرده است. ترجمه ۴۵۰۰ بیتی وی در قالب مثنوی و در بحر خفیف مسدس مخبون محذوف (فاعلاتن مفاعلهن فعْلن) است و جز در بخش‌های آغازین، بهره چندانی از عناصر شاعرانگی ندارد و باید آن را نظمی موزون و مقفّی شمرده تا شعری خیال‌انگیز. از مقایسه این نسخه با اصل عربی دریافتیم شاعر فارسی‌گو در آغاز هر باب با حذف سلسله راویان و اضافه کردن افزوده‌ای با عنوان «فائده»، توانسته است در مجموع، به صورت ماهرانه و با وفاداری به متن عربی، احادیث را گاه در یک، دو، سه و گاه در چند بیت به شعر فارسی درآورد.

واژگان کلیدی: ترجمه، الشمائل المحمدية ترمذی، حافظ هروی، نظم الشمائل

۱- مقدمه

۱-۱- مسأله تحقیق

با وجود اینکه در دهه‌های گذشته معرفی و تصحیح نسخ خطی مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی سرعت گرفته است، بسیاری از آثار ارزشمند و گاه قدیمی همچنان یا به صورت خطی و ناشناخته باقی مانده‌اند یا به ذکر مشخصات مختصر نسخه‌شناسی آن‌ها در فهرست‌ها بسنده شده‌است. دلایل ناشناختگی نسخ خطی هر چه باشد، باعث می‌شود ارزش‌های مختلف این نسخ بر پژوهش‌گران دانش‌های اسلامی و ایرانی پوشیده ماند. یک نسخه خطی ناشناخته ممکن است بخشی از تاریخ یک علم و فن در تمدن اسلامی محسوب شود و ناشناختگی آن علاوه بر آنکه باعث می‌شود اطلاعات کامل نسخه‌شناسی آن نسخه مغفول ماند، باعث می‌شود حلقه‌ای مفقوده در جریان‌شناسی آن علم و فن خاص پدید آید.

یکی از مجموعه‌هایی که در ذیل احادیث گوناگون منقول یا مرتبط با پیامبر اسلام (ص) طبقه‌بندی و معرفی می‌شود، مجموعه احادیث مرتبط با شمایل (ویژگی‌های جسمانی) حضرت رسول (ص) است. چهره‌نگاری بزرگان دین از اموری است که بسیاری از فقیهان مسلمان آن را جایز نمی‌دانند، بلکه کراهت آن تقریباً مورد اتفاق فقیهان است. با توجه به این ممنوعیت در ترسیم چهره ظاهری مقدسان دینی، به‌ویژه شخص پیامبر، محدثان بزرگ در کتاب‌های حدیثی، بخشی را به نقل احادیثی که بیانگر ویژگی‌ها و اوصاف ظاهری پیامبر (ص) است، اختصاص داده‌اند تا به نوعی شمایل ایشان را از طریق این احادیث برای خوانندگان قابل تصور سازند.

از میان محدثان اهل سنت، ابوعیسی محمد ترمذی (۲۰۹-۲۷۹هـ.ق) محدث بزرگ اسلامی در قرن سوم و یکی از گردآورندگان صحاح سته، در کتابی مستقل با نام «الشمائل المحمدية»^۱ احادیث مربوط به ویژگی‌ها و اوصاف جسمانی پیامبر اسلام (ص) را گردآوری کرده است. این کار باعث شده است بعد از او جریانی در تألیف کتاب‌هایی مانند کتاب او

پدید آید. در تمام این قبیل کتاب‌ها، کتاب ترمذی به‌عنوان الگو و راهنما مورد توجه بوده است. کتاب ترمذی در میان محققان و محدثان ایرانی نیز از قدیم تا به امروز همواره به‌عنوان آغازگر جریانی خاص در شمایل‌نگاری، شناخته شده بوده است؛ اما با این حال ترجمه شناخته‌شده‌ای از آن به زبان فارسی در دست نبود تا در سال‌های اخیر احمد مهدوی دامغانی، آن را با نام «شمائل النبی» به فارسی ترجمه کرد و در اختیار علاقه‌مندان قرار داد. آنچه در مقدمه ارزشمند و نسبتاً جامع این ترجمه و سایر پژوهش‌های مرتبط با این موضوع مغفول مانده است، وجود تک‌نسخه‌ای ارزشمند و ناشناخته در ترجمه منظوم این کتاب به زبان فارسی با نام «نظم الشمائل» است که در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۸۲۴۰ نگهداری می‌شود. درباره ویژگی‌ها و ارزش‌های نسخه‌شناسی این نسخه خطی از جهات مختلف زبانی، ادبی و میزان وفاداری به متن اصلی، تاکنون پژوهشی انجام نشده است.

با توجه به قدمت نسبی این نسخه که مربوط به قرن دهم هجری است، معرفی و تحلیل کامل آن به‌عنوان اولین ترجمه فارسی و منظوم از الشمائل المحمدیه ترمذی، ضروری می‌نماید. پژوهش حاضر بر اساس منابع کتابخانه‌ای و با استفاده از نسخه‌های خطی موجود و بررسی فهرست‌های نسخه‌شناسی ایران انجام گرفته‌است و در آن سعی شده است با روش تحلیلی و مقایسه‌ای وجوه مختلف نسخه‌ای خطی از کتاب نظم‌الشمائل بررسی شود. علاوه‌براین، در بخش پایانی مقاله برای سنجش صحت و سقم و همچنین میزان پایبندی این ترجمه فارسی به متن اصلی، بخشی از یک روایت عربی ترمذی با ترجمه منظوم آن در نظم‌الشمائل حافظ هروی مقایسه شده است.

۲-۱- پیشینه پژوهش

از کتاب «الشمائل المحمدیه» ترمذی جز یک ترجمه به زبان فارسی که در دوره معاصر به قلم دکتر احمد مهدوی دامغانی صورت گرفته است، ترجمه دیگری در دست نیست. در

مقدمه مفید و مبسوط مهدوی دامغانی هم به وجود ترجمه دیگری از این کتاب اشاره نشده است.

محمّدی نیز در مقاله‌ای با عنوان «شمایل‌شناسی رسول خدا (ص) (جمال آفتاب)»، ضمن برشمردن سی شرح مختلف از تألیف ترمذی، به ترجمه‌ای غیر از ترجمه مهدوی دامغانی در زبان فارسی، اشاره‌ای نکرده است.

شیخ عباس قمی نیز خلاصه‌ای از «الشمایل المحمدیة» ترمذی را با حذف و ادغام برخی فصول، به فارسی و با نام «سیمای پیامبر اسلام» به فارسی ترجمه کرده است که در سال ۱۳۶۶ انتشارات راه حق آن را منتشر کرده است. با این حال تا آنجا که جست‌وجو شد، در پژوهش‌های مرتبط، از نسخه خطی یادشده هیچ ذکری به میان نیامده است. فقط همانگونه که در معرفی اجمالی نسخه خطی این اثر در فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا) آمده است، گویا اساس این اثر منظوم، ترجمه‌ای منثور به زبان فارسی از خود شاعر (حافظ هروی) بوده است که متأسفانه با وجود جست‌وجوهای زیاد تا به امروز نشانی از این ترجمه منثور فارسی به دست نیامد.

درباره معرفی و تبیین ویژگی‌های ادبی و زبانی نظم‌الشمائل تا کنون پژوهش مستقلی منتشر نشده است و مقاله حاضر تنها پژوهشی است که در آن، اثر یادشده و ویژگی‌هایش معرفی می‌شود.

۳-۱- پرسش‌های تحقیق

در مقاله پیش رو، ضمن معرفی نسخه خطی ترجمه منظوم هروی از کتاب الشمائل المحمدیة اثر ترمذی که میراثی ارزشمند و نسخه‌ای منحصر به فرد در زبان فارسی به‌شمار می‌آید، کوشش شده است با روشی تحلیلی و مقایسه‌ای به دو پرسش اساسی پاسخ داده شود:

۱- نسخه یادشده دارای چه ویژگی‌های ادبی و زبان‌شناختی است؟

۲- با توجه به حساسیتی که ترجمه متون حدیثی میان محدثان داشته است، مترجم تا چه میزان توانسته است در ترجمه منظوم آن امانت‌داری را رعایت کند؟

۲- نظم الشمائل

۲-۱- شمایل‌النبی ترمذی و اهمیت آن

کتاب الشمائل المحمدیه که بیشتر به شمائل ترمذی معروف است، مجموعه‌ای حدیثی است مشتمل بر ویژگی‌های ظاهری، صفات، سیرت و روش زندگی پیامبر اسلام و تنها اثر مهم ترمذی به‌شمار می‌رود که در سده‌های چهارم و پنجم هجری هنوز برای بسیاری از کتاب‌شناسان مسلمان چون ابن‌ندیم و ابوسعید ادریسی ناشناخته بوده است. البته باید دانست احادیثی که بیان‌گر ویژگی‌های ظاهری پیامبر اسلام (ص) است، به طور پراکنده در بسیاری از کتاب‌های پیش و پس از کتاب ترمذی و حتی معاصر آن قابل مشاهده است؛ کتاب‌هایی چون: ابواب مختلف صحاح اهل سنت، از جمله کتاب «الجامع» خود ترمذی و «صحیح» بخاری و مسلم و «سنن» ابوداود و نسایی و ابن‌ماجه و «مسند» احمد بن حنبل و در میان کتب معتبر شیعیان کتاب‌هایی مانند: «اصول کافی» و آثار شیخ صدوق به‌ویژه «من لا یحضره الفقیه» و «معانی الأخبار» و آثار شیخ طوسی به‌ویژه «التهذیب» و آثار شیخ مفید به‌ویژه «الإرشاد». هنر ترمذی و اهمیت کار او در این است که تألیفی مستقل در موضوع خود انجام داده است و تمام روایات مربوط به شمایل پیامبر را در یک جا گرد آورده و پژوهش‌گران را تا اندازه زیادی از مراجعه به ابواب پراکنده در آثار مختلف بی‌نیاز کرده است.

ترمدی در این تألیف خود، کوشیده است به بیان ویژگی‌های بدنی و مکارم اخلاقی پیامبر اسلام بسنده کند و در آن از طرح معجزات و کرامات ایشان خودداری کرده است. کتاب الشمائل المحمدیه ۵۶ باب دارد. ۳۲ باب آن در جلد اول و ۲۴ باب آن در جلد دوم است. در جلد اول ۲۰۶ حدیث و در جلد دوم ۱۸۷ حدیث و در مجموع ۳۹۳ حدیث در این کتاب آمده است و حدود ده حدیث به‌صورت مکرر در ابواب مختلف آمده است.

در برخی ابواب مانند باب عبادت رسول خدا (ص)، احادیث بیشتری وجود دارد و در برخی دیگر کمتر و برخی از ابواب نظیر باب «روی بند بستن رسول خدا صلی الله علیه و سلم در شدت گرمای نیمروز» فقط یک روایت دارد.

الشمائل المحمدية از دیرباز مورد توجه اهل فضل قرار داشته است و افرادی چون جلال الدین سیوطی و ابن حجر هیثمی بر آن شرح نوشته‌اند و تا آنجا که از کشف الظنون حاجی خلیفه و ایضاح المکنون اسماعیل پاشا برمی‌آید، ۲۵ شرح و تلخیص از آن صورت گرفته است (اسماعیل پاشا، ۱۳۷۸: ۵۴). گویا مصطفی حلبی، معروف به مظلوم‌زاده، از شاعران عثمانی در سال ۱۱۵۸ هـ ق، آن را به شعر ترکی سروده است (حاجی خلیفه، ۱۳۷۸، ج ۱: ۲۱۵)؛ اما تا به حال محققان اشاره‌ای به ترجمه منظوم این تألیف به زبان فارسی نکرده‌اند.

پژوهش حاضر در پی معرفی ترجمه منظوم این کتاب در قرن دهم هجری قمری است.

۲-۲- ترجمه منظوم شمايل النبي به فارسی

۲-۲-۱- نسخه‌شناسی اثر

نسخه نظم شمايل النبي به فارسی در مجموعه نسخ خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۸۲۴۰ نگهداری می‌شود. این نسخه در ۳۷۶ برگ ۱۵ سطری (و اشعار دو ستونه) و با خط تحریری و عنوان قراردادی شمايل النبوية و الخصائل المصطفوية موجود است.

۲-۲-۲- ساختار ترجمه شمايل النبي

ساختار این منظومه مانند بسیاری از مثنوی‌های دیگر فارسی، با تحمید و برشمردن صفات جمال و جلال الهی آغاز می‌شود و بلافاصله در اییاتی پس از آن در نعت پیامبر (ص) آورده شده است:

ذات تو هست و بود و خواهد بود	نیست معبود غیر او موجود
نی بود جوهر و نه جسم و عرض	بی نیاز است ز احتیاج و غرض
قاصر از کنه ذات او ادراک	ذات او از صفات نقصان پاک
دایم او زنده است و پاینده	همه میرند و او بسود زنده
عالم الغیب و الشهادت اوست	واهب الأجر و الزیادت اوست
هر چه صادر شود ز خیل بشر	بل همه چیز چه شجر چه حجر
همه بر مقتضای حکمت اوست	همه وابسته ارادت اوست...
عاجز ناتوان بسی بی کس	ای کس بی کسان به دادم رس
شرمسارم ز جرم خود بسیار	بخش جرمم به سید ابرار

در نعت پیامبر (ص) به اوصاف ایشان نیز اشاره شده است:

ســـــرور انبیا شه کونین	أکرم الخلق سید الثقلین
ماه با جاه مکه و یثرب	آفتاب مشارق و مغرب...
گر نبودی وجود او مقصود	از عدم کس نیامدی به وجود
خلق از بهر او شده پیدا	نیست شکی در این سخن قطعا
نیست مقصود غیرش از لولاک	گشته خلق از طفیل او افلاک
ناطقه از فضایلش عاجز	هم ز شرح شمایلش عاجز...

هروی پس از پایان این مقدمات، ضمن اشاره به اهمیت و ویژگی های کتاب ترمذی دلایل ترجمه آن را به فارسی، بیان می کند و نام کتابش را نظم الشمائل ذکر می کند:

بعد تحمید و نعت مصطفوی	می کند عرض حافظ هروی
چون شمایل کتاب در اخلاق	نشده جمع در همه آفاق
شیخ ابو عیسی آن به علم عَلم	هادی دین و مقتدای امم

بود وی مَجْمَعٌ علیه ثقه	در سَنَدِ مَرَجِّعٍ إلیه همه
شده از فقه و ضبط حفظ حدیث	بی شبیه و نظیر در تحدیث
در بیان شمایل نبوی	جمع کرده حدیث مصطفوی
هست در وی بسی برکات	هر که خواند برآیدش حاجات
شده بر اهل علم این معلوم	نیست اصلاً شکی در این مفهوم
عربی بود آن کلام فصیح	فهم هرکس نمی شدی تصریح
ترجمه کرده شد عبارت آن	تا که آسان شود بر اهل زمان
شرح کردم برای آسانی	هم به نثر و به نظم تا خوانی
نثر چون شد خصایلش به تمام	گشته نثرالخصایل آن را نام
چونکه در سلک نظم شد منظوم	شد به نظم الشمایل این موسوم
اربعمین دگر شده منظوم	قول و فعل نبی از او مفهوم
در بیان فضائل و احسان	بر فقیهان و رحم بر ایشان

بلافاصله بعد از این مقدمات مرسوم با آوردن صریح نام اثر خود (نظم الشمائل)، ترجمه نثر کتاب را که پیش از ترجمه منظوم خود انجام داده است (نثر الخصائل) به شاه اکبر^۲ و ترجمه منظوم شمایل ترمذی را به شاه سلیم، فرزند اکبرشاه تقدیم می کند.

معدن جود و مخزن احسان	مجمع فضل و منبع عرفان
شاه دریادل و همایون فر	خسرو دین، جلال دین اکبر
طَوَّلَ اللهُ عُمُرَهُ أَمِدا	خَلَّدَ اللهُ مُلْكَهُ أَبَدا ^۲
دو جگرگوشه داد حق شه را	که بیوشید نورشان مه را
شد عطا از خدایش دو فرزند	هر دو همچون پدر سعادت مند...
آن یکی نور چشم میر تَمُر	وین دگر میوه دل بابر
آن یکی غنچه همایونی	وین دگر در کمال موزونی...

معرفی و بررسی ترجمه ای ناشناخته از کتاب الشمائل المحمدیه اثر ترمذی _____ حامد شکوفگی و امیر مؤمنی هزاوه

آن یکی شهریار هفت اقلیم	نام نامیش گشته شاه سلیم
وین دگر پادشاه پاک‌نهاد	اسم سامی اوست شاه‌مراد
گشت نثرش به نام حضرت شاه	خسرو دین‌پناه، ظل‌الله
نظم آن شد به اسم شاه سلیم	یافت از نام نامی‌اش تتمیم

ناظم کتاب پس از این مقدمات که در منظومه او ۱۱۹ بیت را شامل می‌شود، شروع به نظم دقیق کتاب ترمذی می‌کند؛ به‌گونه‌ای که حتی با وجود ستایش آغازین منظومه، تحمیدیه عربی آغاز کتاب ترمذی^۴ را در عین کوتاهی نقل و سپس آن را به فارسی برمی‌گرداند:

هر ثنایی که از ازل موجود	تا ابد هست و بود و خواهد بود
آن همه حمدها تمام و کمال	هست مخصوص خالق متعال
کاوست مُستَجَمَع جمیع صفات	واحد است و أحد صمد بالذات
و سلام از خدای یا از ما	باد بر بندگان خاص خدا
آن کسانی که برگزیده اوست	از نقایص خلاص کرده اوست
کرده عالی برایشان درجات	وز عقوبات داده است نجات
امر فرمود در کلام مجید	نبی خویش را به این تحمید
پس مصنف بعینه آورد	خطبه را همچنین مُصدّر کرد

و سال مرگ ترمذی را در حاشیه کتابش و در ماده تاریخی با وزنی متفاوت از سایر ابیات منظومه، ۲۷۹ اعلام می‌کند و در انتهای مقدمه تعداد باب‌های کتاب را ۵۶ ذکر می‌کند:

ترمذی دانی که دنیا کی بهشت	«سال عطر» از وی معطر شد بهشت...
هست مجموع باب‌های کتاب	پنجه و شش عدد همه به حساب

جدول (۱): بخش‌های کتاب شمایل ترمذی

ابواب	نام باب	تعداد احادیث
باب ۴	خصائص جسمی پیامبر (چهره، رنگ پوست و مُهر نبوت و موی و طرز آراستن موهای ایشان)	۴۳ حدیث
باب ۳	چگونگی خضاب بستن و سرمه کشیدن و استعمال عطر و روغن‌های معطر	۱۴ حدیث
باب ۷	لباس و کفش و دمپایی و عمامه و ردا و ازار و مُهر و انگشتری ایشان	۴۹ حدیث
باب ۳	اسلحه پیامبر (ص) مانند شمشیر، زره، مغفر	۸ حدیث
باب ۴	نشستن، راه رفتن، تکیه دادن به اشیاء و تکیه دادن به اشخاص و به یاری آنان راه رفتن	۱۱ حدیث
باب ۱۲	درباره قَدَح، بستر، خوابیدن، خوردن، آشامیدن، دست شستن آن حضرت پیش و پس از غذا	۷۵ حدیث
باب ۲۴	گفتار، خنده، مزاح، تواضع، عبادت، نماز و روزه‌های مستحبی، گریستن، نام‌ها و القاب، خون‌گرفتن و سختی زندگی رسول خدا (ص) و عمر، وفات، میراث حضرت	۱۳۹ حدیث

منظومه نظم الشمائل با این ابیات به پایان می‌رسد:

أَسْأَلُ اللَّهَ بِالنَّبِيِّ نَجِيبٍ	اَسْتَجِبْ خَالِقاً بِحُبِّ حَبِيبٍ
صَلِّ يَا رَبِّ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِ	وَ عَلَى كُلِّ صَاحِبِ الْمُتَعَالِ
دَائِماً وَاصِلاً إِذَا أَبَدَا	وَ سَلاماً عَلَيْهِ تَسْلِيماً

۲-۲-۳- ویژگی‌های ادبی و زبانی متن نظم الشمائل

منظومه نظم الشمائل ترجمه فارسی و منظومی از کتاب الشمائل المحمدية متعلق به ترمذی (صاحب یکی از صحاح سته اهل سنت) است. سراینده آن را در قالب مثنوی و در بحر خفیف مسدّس مخبون محذوف (فاعلاتن مفاعلتن فعلتن)، از وزن‌های مشهور شعر فارسی

(هم وزن منظومه‌هایی مانند حدیقه سنایی و هفت پیکر نظامی) در حدود ۴۵۰۰ بیت سروده است. در این اثر، موزون بودن بر جنبه‌های شاعرانه آن غلبه دارد و بیشتر باید بر آن نام منظومه گذاشت تا شعر. البته مانند بسیاری از منظومه‌های فارسی، شاعر سعی کرده‌است در قسمت‌های مقدماتی مانند تحمیدیه و نعت حضرت رسول (ص) تا اندازه‌ای دانش ادبی و دینی و کلامی خود را به خواننده نشان دهد. در همین بخش‌ها با ابیاتی مواجه می‌شویم که از عناصر شاعرانگی مانند صور خیال و آرایه‌های بدیعی بیشتری بهره گرفته‌است و برای درک آن‌ها باید با آیات و پیوند آن‌ها با صور خیال آشنا بود.

«و الضحی» آیتی است از رویش	«قاب قوسین» نقش ابرویش
بی‌گمان آیتی است نون و قلم	ز ابرو و قدّ خواجه عالم
شده «و اللیل» ظاهر از مویش	شکل «حم» خَمّ گیسویش
دُرّج لعلش لبالب از حکمت	سینه صافیش پر از وحدت
قامتش سرو بوستان جنان	نشیده کسی ندیده چنان
وصف «ما زاغ» آیتی ز فناش	«ما طَعی» مُشعر است ز استغناش
مُخبر از قرب اوست «ثُمَّ دَنی»	مُشعر از اقرب است «أو أدنی»

در غیر این موارد که نسبت به کل منظومه بسیار اندک است، ابیات نظم‌الشمایل واژه‌هایی به هم پیوسته و برخوردار از وزن و موسیقی در قالب مثنوی است و موزون بودن ابیات درک معنی را به تأخیر نمی‌اندازد.

زبان این منظومه قرن دهمی (با توجه به زمان سرایش آن)، زبان شعر اوایل دوره صفویه در شهر هرات است که ویژگی‌های سبکی آن «نه مثل زبان سبک عراقی فصیح و بلیغ است و نه مثل زبان برخی از شاعران سبک هندی عامیانه؛ اما کلاً بی‌توجهی به زبان... و عدم توجه به درستی جملات و ترکیبات در آن مشهود است» (شمیسا، ۱۳۸۸: ۲۶۶). آوردن برخی واژه‌های عربی غیرمستعمل در زبان فارسی که شاعر نتوانسته‌است معادلی برای آن در

فارسی بیابد و زبان منظومه را در این موارد به دشواری می‌کشاند؛ مانند استفاده از واژه‌های لَحِيه^۶ و دُهن^۷ در ترجمه فارسی:

لَحِيه را نیز شانه کرد بسی	با محاسن چنان نبوده بسی...
بس که بسیار دُهن می‌مالید	ثوب زیات ^۸ گوئیا گردید

و یا در ترجمه «کان رسول الله صلی الله علیه و سلم مربوعاً بعيداً ما بین المنکبین^۹...» نتواسته برای «منکبین^{۱۰}» واژه‌ای مناسب در زبان فارسی بیابد و همان را به کار برده است:

بود ما بین منکبین بعيد	صاحب این نشانه هست سعید
گفت آنس شعر أظهر أظهر ^{۱۱}	بود تا نصف گوش آن سرور

یا در ترجمه روایتی از ابن عباس که «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْدُلُونَ شَعْرَهُ وَكَانَ الْمُشْرِكُونَ يَفْرُقُونَ رُؤُوسَهُمْ وَكَانَ يُحِبُّ مُوَافَقَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ^{۱۲}» که حافظ هروی در ترجمه خود نتوانسته معادلی برای فعل یسدلون بیاورد و آن را چنین به نظم کشیده است:

ابن عباس گفت خیر اَنام	سدل ^{۱۳} کردی در اول اسلام
------------------------	-------------------------------------

حتی در بخش «فایده» که از اضافات مترجم فارسی در کتاب است، باز هم معادلی برای سدل نیامده است که برای یک فارسی‌زبان دریافت محتوای برخی احادیث متن را با دشواری مواجه می‌کند:

پس بود سدل و فرَق هم سنت	نیست کس را در این سخن حجت
--------------------------	---------------------------

۲-۲-۴- مترجم و سراینده نظم‌الشمال

نام سراینده به صراحت در بیت‌های ابتدایی منظومه حافظ هروی آمده است:

بعد تحمید و نعت مصطفوی	می‌کند عرض حافظ هروی
------------------------	----------------------

در ابیات انتهایی منظومه، یک بار دیگر این بار نام کامل سراینده و نام پدر او آمده است:

که محمد حسین بن باقر غَفَرَ اللَّهُ ذَنْبَهُ الْعَافُ^{۱۴}
که شده ناظم کتاب کریم بکنندش دعا به لطف عَمیم...

اما آیا اطلاعاتی جدای از آنچه در این منظومه آمده است، در کتاب‌های شرح احوال و رجال درباره سراینده وجود دارد؟ در دایرةالمعارف آریانا جز نام و اصل و پیشه وی اطلاعی وجود ندارد: «از جمله صنعت‌گران و خوشنویسان هرات بود. اسم و سنه تولد وی به دست نیامده ...» (انجمن دایرةالمعارف افغانستان، ۱۳۴۸، ج ۵: ۱۹۰).

در اثرآفرینان که زندگی‌نامه نام‌آوران فرهنگی ایران است، بی‌آنکه به ترجمه او اشاره‌ای شود، اطلاعاتی افزون بر مطالب قبلی آمده است: «حافظ و قاری، معروف به واحد العین؛ اصل وی از هرات بود. به مشهد رفت و از آنجا به قم به اردوی شاه طهماسب صفوی پیوست. او در خواندن قرآن در خراسان شهرت فراوانی داشت و مورد توجه بزرگان و پادشاهان بود. کمال‌الدین جز نستعلیق انواع خطوط را ماهرانه و استادانه می‌نوشت. از آثار وی یک نسخه کلمات قصار حضرت امیرالمومنین (ع) است...» (نصیری، ۱۳۸۴، ج ۲: ۲۳۹).

در فرهنگ سخنوران به نظم الشمائل وی تصریح شده است: «حافظ محمدحسین که حافظ قرآن بود و نیز ترجمه شمائل النبی ابوعیسی ترمذی را منظوم ساخته و آن را نظم الشمائل نامیده است» (خیامپور، ۱۳۶۸، ج ۱: ۲۴۲). با توجه به دعای شاعر در حق اکبرشاه «طَوَّلَ اللَّهُ عُمرَهُ أَبَدًا...» مشخص است تاریخ تألیف و نظم این اثر بعد از ۹۶۳ق و پیش از درگذشت وی در ۱۰۱۴ق است؛ یعنی در حدود اواخر قرن دهم یا ابتدای قرن یازدهم هجری قمری. در انتهای منظومه بیتی آمده است که اگر بتوان آن را به معنی ظاهر گرفت، در هنگام اتمام این منظومه در ایام پیری بوده است:

بر من تیره‌روز تنگ مگیر عاجزم پیر، عذر من بپذیر...

بیش از این در کتاب‌شناسی‌های موجود اطلاعی از حافظ هروی موجود نیست. اما اطلاعاتی که از ابیات این منظومه درباره شاعر منظومه برمی‌آید، بیشتر اعتقادی است تا

زندگی‌نامه‌ای و مشخص می‌شود از آنجا که حدیث مشهور اصحاب پیامبر (ص)^{۱۵} را به صورت زیر آورده است، گوینده این ابیات شیعه نبوده است:

بود مثل قمر صحابه نجوم	گرد بر گرد وی نموده هجوم...
خاصه آن چار یار با اکرام	پیش‌وایان ملت اسلام
دین اسلام را چهار ارکان	فتح از یمشان تمام جهان

رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَمَدَا	كَرَّمَ اللَّهُ وَجْهَهُ أَبَدَا ^{۱۶}
اهْتَدَى مَنْ قَدْ اقْتَدَى بِهِمْ	فَاقْتَدِ يَا أَحْيَى بِأَيُّهُمْ ^{۱۷}
صَلِّ يَا فَايِضَ الْوُجُودِ عَلَيْهِ	أَبْدَاً وَاصِلًا يُفِيضُ إِلَيْهِ ^{۱۸}
وَ عَلَى كُلِّ إِلَهٍ الْأَطْهَارِ	وَ جَمِيعِ صَحَابِهِ الْأَخْيَارِ ^{۱۹}

بنابراین حافظ هروی که خوشنویس و حافظ مشهور قرآن بوده است، در نیمه دوم قرن دهم (بعد از ۹۶۳ق) ترجمه الشمایل المحمدية ترمذی را به اکبرشاه و پسر او سلیم تقدیم می‌کند. این کتاب با نام نظم الشمائیل به دست ما رسیده است و گویا از نشر الخصائل (ترجمه منشور همین اثر) خبری در دست نیست. البته با توجه به خوشنویس بودن او، کتابت چند اثر دیگر مانند «یک نسخه کلمات قصار حضرت امیرالمؤمنین (ع)» نیز به او منسوب است.

۳- بررسی تطبیقی شمایل ترمذی و ترجمه منظوم حافظ هروی

۳-۱- مقابله متن فارسی و عربی

بهتر است برای بررسی میزان وفاداری مترجم، ترجمه نمونه‌ای از کار او را با اصل عربی از کتاب ترمذی مقایسه کنیم. البته مقایسه تمام کتاب ضرورتی ندارد و آوردن چند حدیث از باب‌های مختلف و ارائه روش کلی ترجمه او می‌تواند تا حدود زیادی معرف تمام کار او باشد.

در قسمت پیشین به اضافاتی که حافظ هروی در ابتدای منظومه فارسی خود آورده بود، اشاره شد. پس از بیان این اضافات، او به سراغ ترجمه منظوم همه باب‌های کتاب الشمائل رفته است. روش کلی کار مترجم به این شکل است که در ترجمه هر باب، ابتدا نام آن باب را با عبارت عربی عیناً ذکر می‌کند. سپس متن عربی حدیث را با حذف سلسله روایانش (که در متن عربی آمده است) جز نام راوی نخستین، ذکر می‌کند و در انتها آن را به شعر فارسی ترجمه می‌کند. برای نمونه ابتدای باب اول کتاب نظم الشمائل چنین است:

«باب ما جاء فی خلق رسول الله

هست احادیث باب خلق رسول	همچو مه چارده، به حسن قبول
حاصل معنی حدیث بدان	می‌شود در همه کتاب عیان

حدیث اول، حدیث أنس بن مالک رَضِيَ اللهُ عَنْهُ عَنْ رَبِيعَةَ بْنِ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ أَنَّهُ سَمِعَهُ يَقُولُ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَيْسَ بِالطَّوِيلِ الْبَائِنِ وَلَا بِالْقَصِيرِ وَلَا بِالْأَبْيَضِ الْأَمْهَقِ وَلَا بِالْأَدَمِ وَلَا بِالْجَعْدِ الْقَطَطِ وَلَا بِالشَّبَطِ بَعَثَهُ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى رَأْسِ أَرْبَعِينَ سَنَةً، فَأَقَامَ بِمَكَّةَ عَشْرَ سِنِينَ وَبِالْمَدِينَةِ عَشْرَ سِنِينَ وَتَوَفَّاهُ اللَّهُ عَلَى رَأْسِ سِتِّينَ سَنَةً وَ لَيْسَ فِي رَأْسِهِ وَ لِحْيَتِهِ عَشْرُونَ شَعْرَةً بَيْضَاءً^{۲۰}.

انس آن خادام رسول خدا	گفت در وصف سید دو سرا
نی طویل و قصیر بود قدش	معتدل دلپذیر بود قدش
بود مایل به طول قامت او	هست این دال بر شهادت او
نی سفید سفید بود تنش	بلکه سرخ و سفید بُد بدنش
نی به غایت سفید گندم گون	رنگ وی نیلگون ولی گلگون
موی گیسوی آن قمر طلعت	در کمال لطافت و نزهت
نی فروهشته بود نی پیچان	متوسط میان این [بُد] ^{۲۱} و آن...
چون به چل سالگی رسید آن شاه	کرد نامش خدا رسول الله

گشت مبعوث سید کونین	به رسالت به جمله ثقلین
کرد اقامت به مکه او ده سال	بهر انداز اهل کفر و ضلال
بعد از آن سوی یثرب آن حضرت	کرد از بهر اهل آن هجرت
بود ده سال در مدینه تمام	سید انبیا علیه سلام
چونکه عمرش به شصت سال رسید	سوی جنت به طوع بخرامید
بود نیکو نهاد و پاک سرشت	عاقبت میل کرد سوی بهشت
بر سر و لویه رسول خدا	بیست مویش نگشته بُد بیضا
هفده یا هژده گفته‌اند او را	بعضی هفده شمرده‌اند او را فایده
کرد انس اندرین حدیث بیان	عدد عشر را بلا نقصان
کسرهای را نکرده است شمار	زان سبب شصت سال کرد اظهار
یا که سه سال دعوتش پنهان	بود در مکه زان نکرد عیان
شصت و پنج آنکه کرده اش تعیین	کرده عد کسر اولین و پسین
عمر وی بوده است شصت و سه سال	هست اصح این ز جمله اقوال

چنانکه می‌بینیم در پایان برخی احادیث آنچه را که مترجم فارسی لازم می‌دیده‌است با عنوان «فایده» در چند بیت به ترجمه منظوم خود اضافه کرده‌است. این بخش در اصل عربی نیست.

ترجمه‌های حافظ هروی از احادیث موجود در کتاب ترمذی بسته به طول ترجمه از یک بیت تا چندین بیت است. گاه در برابر یک حدیث منقول در کتاب الشمایل ترمذی، تنها به یک بیت اکتفا می‌کند:

حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ نَصْرٍ، حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ عَنْ مُعَمَّرٍ عَنْ ثَابِتِ بْنِ أَنَسٍ: «أَنَّ شَعَرَ رَسُولِ اللَّهِ كَانَ إِلَى أَنْصَافِ أُذُنَيْهِ»^{۲۲}

گفت انس شعر أطهر أظهر
بود تا نصف گوش آن سرور

گاه ترجمه یک حدیث از کتاب ترمذی، در دو بیت می‌گنجد:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ حَجَرٍ. أَخْبَرَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ حَمِيدٍ. عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ: «كَانَ شَعْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِلَى نِصْفِ أُذُنَيْهِ^{۲۳}».

این خبر گشته از انس مروی
 کرده وی وصف شعر مصطفوی
 موی گیسوی مشکبوش ز سر
 بود تا نصف گوش آن سرور
 ترجمه بعضی از احادیث کتاب الشمائل در ترجمه منظوم فارسی در سه بیت آمده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مَنِيعٍ، حَدَّثَنَا أَبُو قَطَنٍ، حَدَّثَنَا شُعْبَةُ عَنْ أَبِي إِسْحَاقَ عَنِ الْبَرَاءِ بْنِ عَازِبٍ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ مَرْبُوعًا، بَعِيدًا مَا بَيْنَ الْمَنْكِبَيْنِ وَكَانَتْ جُمَّتُهُ تَضْرِبُ شَحْمَةَ أُذُنَيْهِ^{۲۴}».

از براء ابن عازبست خبر
 معتدل بود قد پیغمبر
 بود ما بین منکبین بعید
 صاحب این نشانه هست سعید
 موی او بود تا به نرمه گوش
 در لطافت بیرده از دل هوش
 اما در ترجمه فارسی بیشتر احادیث، تعداد ابیات بیش از اینها است و در تعدادی از آن‌ها هم همان‌طور که اشاره شد بخشی با عنوان فایده افزون بر اصل عربی کتاب آورده می‌شود.

حَدَّثَنَا سُؤَيْدُ بْنُ نَصْرٍ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارَكِ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَزِيدَ عَنِ الزُّهْرِيِّ حَدَّثَنَا عُثَيْدُ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُتْبَةَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يَسْدُلُ شَعْرَهُ؛ وَكَانَ الْمُشْرِكُونَ يَفْرُقُونَ رُؤُوسَهُمْ وَكَانَ أَهْلُ الْكِتَابِ يَسْدُلُونَ رُؤُوسَهُمْ وَكَانَ يُحِبُّ مُوَافَقَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ فِيمَا لَمْ يُؤْمَرْ فِيهِ بِشَيْءٍ ثُمَّ فَرَّقَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأْسَهُ^{۲۵}»

ابن عباس گفت خیر انام
 سدل کردی در اول اسلام
 بر قفا و جبین همی افتاد
 موی دلجوی آن شریف نهاد
 فرق مو بود از عادت کفار
 آن گروه کثیف بی مقدار
 در اموری که وی نبد مامور
 در ادایش ز نزد رب غفور

دوست می داشت سید احباب که موافق بود به اهل کتاب
 فرق شعر شریف خویش نمود عاقبت شاه عاقبت محمود
 شعر را کرد منقسم به دو قسم از چپ و راست آن لطیف الجسم فایده
 پس بود سدل و فرق هم سنت نیست کس را در این سخن حجت

از بخش های قابل مقایسه نظم الشمائل با متن عربی آن که علاوه بر فایده مطالعات تطبیقی دو متن عربی و فارسی، می تواند محقق را به میزان توانایی ادبی سراینده فارسی (حافظ هروی) در ترجمه اشعار منظوم عربی شعرای صدر اسلام آشناتر کند، «باب ما جاء فی صفة کلم رسول الله (ص) ...» است. در این بخش ابتدا متن عربی و پس از آن ترجمه منظوم حافظ هروی را می آوریم تا میزان وفاداری حافظ هروی را با توجه به محدودیت وزنی و کلام منظوم نشان داده باشیم.

قال رسول الله صلى الله عليه و سلم إِنَّ أَصْدَقَ كَلِمَةٍ قَالَهَا الشَّاعِرُ كَلِمَةٌ لَيْدٌ^{۲۶}: أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللَّهَ بَاطِلٌ.^{۲۷}

حافظ هروی:

هست غیر از خدا همه باطل همه فانی شوند الحاصل
 شعر دیگر از عبدالله ابن رواحه^{۲۸} است. او این شعر را در سال هفتم هجری هنگام ورود پیامبر (ص) به مکه زمزمه می کرد:

خَلُّوا بَنِي الْكُفَّارِ عَنْ سَبِيلِهِ نَضْرِبُكُمْ الْيَوْمَ عَلَى تَنْزِيلِهِ
 ضَرْبًا يُزِيلُ الْهَامَ عَنْ مَقِيلِهِ وَ يُذْهِلُ الْخَلِيلَ عَنْ خَلِيلِهِ^{۲۹}

حافظ هروی:

یعنی از راه سید ابرار دور باشید ای بنی الکفار
 ما شما را به حکم رب جلیل می زنیم و همی کنیم ذلیل
 زدنی آنچنانکه سر ز مقیل دور کرده شود حضور خلیل
 دوستان را چنان کند شاغل که کندشان ز یکدگر غافل

معرفی و بررسی ترجمه ای ناشناخته از کتاب الشمائل المحمدیه اثر ترمذی _____ حامد شکوفگی و امیر مؤمنی هزاوه

شعر دیگری که در نظم الشمایل آمده است، ترجمه بیتي از طرفه بن عبد^{۳۰} است که تنها مصرعی از آن در کتاب ترمذی آمده است و حافظ هروی تمام آن بیت را در نظم الشمائل آورده و ترجمه فارسی آن را به نظم کشیده است.

كَانَ يَتَمَثَّلُ بِشِعْرِ ابْنِ رَوَاحِهِ وَ يَتَمَثَّلُ بِقَوْلِهِ (بشعر طرفه بن العبد) وَ يَأْتِيكَ بِالْأَخْبَارِ مَنْ لَمْ تَزُودْ^{۳۱}.

بود مضمون آنکه بیت تمام	زود ظاهر کند به تو ایام
آنچه باشی تو جاهل از اخبار	عام شد فاش گردد آن اسرار
این خبر از کسی به تو برسد	که نه او زاد ره ز تو طلبد

۳-۲- اختلافات متن عربی الشمائل با ترجمه فارسی

۳-۲-۱- کاستی‌ها

از تفاوت‌های مهم ترجمه فارسی با متن عربی، عدم توجه به بیان سلسله کامل راویان یک حدیث در منظومه فارسی است که با توجه به اهمیتی که این موضوع به‌ویژه برای محدثان سده‌های نخستین اسلامی مانند ترمذی در قرن سوم هجری داشته‌است، نام تمامی ایشان آمده است؛ اما مترجم و ناظم فارسی تنها به آوردن یک یا دو راوی نخستین حدیث (هم در متن عربی حدیث و هم در ترجمه خود) اکتفا کرده‌است. جز حذف سلسله راویان که در ترجمه فارسی به طور کامل نیامده است، افتادگی و حذف دیگری در ترجمه منظوم فارسی دیده نمی‌شود. برای مثال در حدیث دوم باب خضاب حضرت رسول (ص) در متن عربی حدیث به این شکل نقل شده است: «سئل ابوهریره هل خضب رسول الله صلى الله عليه و سلم. قال نعم. قال ابو عيسى و روى ابو عوانه هذا الحديث عن عثمان بن عبد الله بن موهب فقال عن ام سلمه» که در ترجمه منظوم فارسی تنها در دو بیت می‌خوانیم:

مردی با بوهریره کرد خطاب	که رسول خدا کرده خضاب؟
گفت: آری خضاب کرده رسول	هست از امّ سَلَمَه هم منقول

۳-۲-۲- افزوده‌های متن فارسی

اما موارد افزوده‌ای که حافظ هروی ناظم تشخیص داده است برای تکمیل یا شاید تزیین منظومه خود به ترجمه خود بیفزاید، بیش از اینها است و به چند دسته تقسیم می‌شود:

دسته اول افزوده‌هایی است که در مقدمه کلی ابتدای کتاب آمده است و در بخش ساختار ترجمه فارسی جزئیات آن آورده شد. در جدول زیر بخش‌ها و تعداد ابیاتی را که تنها در منظومه فارسی حافظ هروی است، می‌آوریم:

مجموع	تعداد ابیات	بخش‌های نظم الشمانل		
۱۱۹	۲۲	۱	ستایش خدا	بخش اول (مقدمات)
	۴۲	۲	نعت حضرت رسول(ص)	مترجم و شاعر فارسی)
	۳۱	۳	در سبب نظم کتاب و ثنای جلال‌الدین اکبرشاه	یا افزوده‌های ترجمه فارسی نسبت به عربی
	۴	۴	مقدمه در برتری علم حدیث بر سایر علوم	
	۲۰	۵	تنبيه در بیان فرق نبی و رسول	
شامل ۴۳۸۰ بیت				بخش دوم (ترجمه منظوم فارسی)

دسته دوم بخش‌هایی با عنوان «فایده» است که گاه مترجم فارسی صلاح دیده برای خواننده فارسی‌زبان علاوه بر ترجمه منظوم عین عبارات عربی بیاورد تا اگر همچنان گرهی در دریافت محتوای یک حدیث عربی وجود دارد، آن افزوده بتواند اصطلاحاً «فایده» داشته باشد؛ مثلاً در حدیث سوم از باب خلق رسول الله (ص) وقتی در ترجمه حدیثی صحبت از پوشش حله حمرا پیامبر (ص) می‌شود:

در برش بود حله حمرا جان فدا کرده هر که دید او را

اما شاعر و ناظم فارسی زبان بهتر می داند برای رفع ابهام از نوع پوشش، آن را برای خوانندگانش که کمتر به عربی آشنایی دارند، در بخش «فایده» واژه حله را از کتاب نهاییه الأرب^{۳۲} توضیح دهد:

هست بُردی ز بُردهای یمن	حله نزدیک صاحب این فن
چون ز یک جنس باشد آن هر دو	غیر دو ثوب را تو حله مگو
نقل شد از نهاییه، شک منما	چون ازار و ردا و غیرهما
آن بود کاندرو بود خطها	در عرب عرف حله حمرا

دسته سوم افزوده ها که در مقابله دقیق تر متن عربی الشمائل با ترجمه فارسی به آنها می رسیم (و تعداد آن هم کم نیست) چند گروه می شوند، یا برای پر کردن وزن شعری از سر ناچاری یا اجبار آورده است؛ مانند ترجمه عبارت «کانت جمته تضرب شحمة أذنیة» که در نظم فارسی آن مصراع دوم بیت تنها برای پرکردن وزن آمده است:

موی او بود تا به نرمه گوش	در لطافت ببرده از دل هوش
---------------------------	--------------------------

یا برای افزودن اندک عناصر شاعرانه به متن خالی از هرگونه خیال ورزی خود تا شاید متن نظم الشمایل علاوه بر موزون بودن، اندکی خیال انگیزتر و اثرگذارتر شود؛ مثلاً در ترجمه «کان شعر رسول الله صلی الله علیه و سلم إلى نصف أذنیة» ترکیب «گیسوی مشکبوش» در بیت زیر نسبت به عبارت عربی افزوده محسوب می شود.

موی گیسوی مشکبوش رهبر	بود تا نصف گوش آن سرور
-----------------------	------------------------

گاهی علاوه بر افزایش جنبه های زیباشناختی، اعتقادات شخصی مترجم فارسی نیز در اضافات ترجمه اش دخیل است:

مثلاً در ترجمه عبارت عربی «أقام بمكة عشر سنين و بالمدينة عشر سنين و توفاه الله علی رأس ستین سنة...» افزوده های فارسی ترجمه حافظ هروی را نسبت به متن اصلی کتاب مشخص کرده ایم:

کرد اقامت به مکه او ده سال	بهر انذار اهل کفر و ضلال
بعد از آن سوی یثرب آن حضرت	کرد از بهر اهل آن هجرت
بود ده سال در مدینه تمام	سید انبیا علیه سلام
چونکه عمرش به شصت سال رسید	سوی جنت به طوع بخرامید
بود نیکو نهاد و پاک سرشت	عاقبت میل کرد سوی بهشت

اینها تنها نمونه‌هایی است از افزوده‌های ترجمه فارسی به متن عربی که می‌توان موارد بیشتری را از صفحات دیگر این نسخه خطی نشان داد.

۴- نتیجه‌گیری

۱- نظم الشمائل منظومه‌ای است ناشناخته و منتشر نشده به شکل نسخه خطی که با شماره ۱۸۲۴۰ در کتابخانه مجلس شورای اسلامی نگهداری می‌شود.

۲- این منظومه فارسی از مترجمی ایرانی به نام حافظ هروی در قرن دهم هجری است که ناظم، آن را در قالب مثنوی و حدود ۴۵۰۰ بیت سروده و جز در خطبه‌های ابتدایی کتابش با توجه به موضوع خود از عناصر شاعرانگی مانند تشبیه و استعاره و... بسیار کم بهره برده است؛ به‌همین دلیل منظومه‌اش را تنها باید کلامی برخوردار از وزن شعری (فاعلاتن مفاعلهن فعلهن) دانست تا شعر خیال‌انگیز.

۳- از نظر زبانی بیشتر مختصات زبانی قرن دهم در منظومه نظم‌الشمائل (مانند سستی دستوری جملات و کاربرد کلمات عربی و غیرمستعمل در متن) مشهود است. مترجم فارسی علاوه بر افزودن خطبه‌های ابتدایی نظم‌الشمائل و همچنین حذف سلسله کامل راویان هر حدیث، تشخیص داده است ترکیب یا عباراتی را به ترجمه منظوم خود بیفزاید. این افزایش گاه از سر اقتضائات کلام منظوم و برای پر کردن وزن شعری است و گاه برای

معرفی و بررسی ترجمه ای ناشناخته از کتاب الشمائل المحمدیه اثر ترمذی _____ حامد شکوفگی و امیر مؤمنی هزاوه

افزودن حال و هوای شاعرانه و گاه از سر توجه به اعتقادات شخصی اش و در مواردی در نظر گرفتن همه اینها.

۴- در مجموع می توان کلیت ترجمه فارسی حافظ هروی را نظمی وفادار به متن عربی دانست، هرچند او نخواستہ است از اختیارات مترجم غافل بماند. امید است نویسندگان مقاله حاضر، به زودی این نسخه را به شکل تصحیح شده منتشر کنند و در اختیار علاقه مندان قرار دهند.

۵- پی نوشت

- ۱- این کتاب به نام «الشمائل النبویه» و «الخصائل المحمدیه» نیز خوانده شده است.
- ۲- «جلال الدین اکبر شاه هندی پور همایون شاه از ۹۶۳ هـ ق. تا ۱۰۱۴ هـ ق. در هندوستان سلطنت کرد... . در چهارده سالگی به سلطنت هند رسید و لیاقت و درایت بی کرانی از خود نشان داد و ممالک گجرات، بنگاله، کشمیر و سند را به تصرف درآورد و سلطنت بزرگی تشکیل داد و شهرها و آبادی های بی شماری بنیان نهاد. به زبان فارسی دلبستگی ویژه ای داشت و دستور داد همه کتاب های دینی و ادبی قدیم هند را به پارسی برگردانند... آرامگاه با شکوه وی در قریه سکندره واقع در جوار اگره است که به وسیله پسرش سلیم شاه جهانگیر برپا شده است» (دهخدا، مدخل اکبر شاه).
- ۳- خداوند عمرش را پیوسته طولانی کند! و پادشاهی اش را تا ابد جاوید گرداند!
- ۴- «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى أَحْمَدٌ مُجْتَبَى مُحَمَّدٌ مُصْطَفَى، صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ».
- ۵- خدا را به پیامبر نجیب می خوانم؛ ای آفریدگار! به حق حبیب (پیامبر) اجابت کن! ای پروردگار بر پیامبر و خاندان (او) و یاران عالی قدر او درود فرست! (درودی) پایدار، متصل و ابدی و (بر ایشان) سلام فرست!

۶- لَحِيَه: ریش (دهخدا، مدخل لَحِيه).

۷- ذَهْن: روغن (همان، مدخل دهن).

۸- زَيَات: روغن فروش (همان، مدخل زیات).

۹- پیامبر که درود خدا بر او باد! قامتی متوسط و شانه ای پهن داشت.

۱۰- مَنَكِبَيْن: تثنیه مَنَكِب، دو کتف (دهخدا، زیر منکب).

- ۱۱- شَعْرُ أَطْهَرِ أَزْهَرٍ: موی پاک درخشان.
- ۱۲- پیامبر که درود و سلام خدا بر او باد! مویش را افشان می‌کرد؛ درحالی‌که مشرکان موهایشان را از فرق بازمی‌کردند. پیامبر دوست می‌داشت (در این کار) با اهل کتاب موافقت داشته باشد.
- ۱۳- سَدَلٌ: فرو گذاشتن مو (دهخدا، مدخل سدل).
- ۱۴- خداوند بخشنیده گناهِش را ببخشد!
- ۱۵- أَصْحَابِي كَالنَّجُومِ؛ بِأَيِّ اقْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ (یاران من مانند ستارگانند؛ به هریک اقتدا کنید، راهنمایی می‌شوید).
- ۱۶- خداوند پیوسته از ایشان خشنود باد! خداوند چهره ایشان را ارجمند کند!
- ۱۷- هرکس به ایشان اقتدا کند، راه جوید پس ای برادران! به هریک می‌خواهید اقتدا کنید.
- ۱۸- ای که فیض وجود از تو است (خداوند)، بر او تا ابد درودی فرست که پیوسته به او فیض برساند!
- ۱۹- و به تمامی خاندان مطهر و همه یاران برگزیده‌اش (درود فرست)!
- ۲۰- حدیث انس بن مالک که خداوند از او خشنود باد! ربیعۃ بن ابی عبدالرحمن از انس بن مالک شنید که گفت: رسول الله که درود و سلام خداوند بر او باد! قامتی خیلی بلند یا خیلی کوتاه نداشت و خیلی سفید یا خیلی گندم‌گون نبود و مویش خیلی مجعد یا خیلی صاف نبود. خداوند او را سر چهل سالگی به رسالت برانگیخت. ده سال در مکه و ده سال در مدینه اقامت کرد و سر شصت سالگی وفات یافت؛ درحالی‌که بیست تار موی سپید در سر و ریش نداشت.
- ۲۱- احتمالاً واژه بُد در نسخه اصل افتاده است.
- ۲۲- سَوید بن نصر روایت کرد که عبدالله بن مبارک از معمر و او از ثابت لبنانی و ثابت لبنانی از انس بن مالک روایت کرد: (بلندی) موی رسول خدا تا میانه‌های گوش ایشان بود.
- ۲۳- روایت کرد علی بن حجر که روایت کرد اسماعیل بن ابراهیم از حمید و او از انس بن مالک که گفت: موی رسول الله که درود و سلام خدا بر او باد! تا میانه گوش‌هایش بود.
- ۲۴- احمد بن منیع روایت کرد که ابوقطن روایت کرد که شعبۃ بن ابی اسحاق از براء و او از عازب روایت کرد: رسول الله که درود و سلام خدا بر او باد! قامتی متوسط و شانه‌ای پهن داشت و موهایش بر روی لاله گوشش می‌ریخت.
- ۲۵- سَوید بن نصر روایت کرد که عبدالله بن مبارک روایت کرد از یونس بن یزید و او از زهری روایت کرد که عیبدالله بن عبدالله از عتبه و او از ابن عباس روایت کرد که رسول الله که درود و سلام خدا بر او باد! مویش را افشان می‌کرد؛ درحالی‌که مشرکان موهایشان را از فرق باز می‌کردند و اهل کتاب موهایشان را

معرفی و بررسی ترجمه ای ناشناخته از کتاب الشمائل المحمدیه اثر ترمذی _____ حامد شکوفگی و امیر مؤمنی هزاوه

افشان می کردند. پیامبر دوست می داشت در اموری که فرمانی (از جانب خدا) صادر نشده بود، با اهل کتاب موافق باشد. پس از آن رسول الله که درود و سلام خدا بر او باد! مویش را از فرق باز کرد.

۲۶- لبید بن ربیعۀ عامری که کنیه اش ابو عقیل است، از شاعران بزرگ دوره جاهلی است که با قوم خود به محضر پیامبر (ص) آمد و مسلمان شد و پس از آن کمتر شعر سرود. او در کوفه به روزگار حکومت عثمان یا به روزگار حکومت معاویه درگذشت.

۲۷- بی گمان راست ترین سخنی که شاعر گفته است، سخن لبید است: هان! هرچه غیر الله، باطل است؛ شعر در متن عربی ترمذی تنها به صورت مصراع آمده است، اما حافظ هروی علاوه بر آوردن بیت کامل لبید، ترجمه آن را ارائه می کند و این نشانه آشنایی نسبی او با اشعار دوره جاهلی عرب است.

۲۸- عبدالله بن رواحه، از قبیله خزرج انصار و از یاران محترم پیامبر (ص) و از شاعران مشهور است که در جنگ موته به سال هشتم هجرت شهید شد.

۲۹- ای فرزندان کافران! از راه او (پیامبر) کنار روید! امروز شما را با آمدن او فرومی کوبیم. با ضربه ای که سر را از گردن جدا و دوست را از یاد دوست غافل می کند.

۳۰- طرفه بن عبد از شاعران بزرگ دوره جاهلی است که در قرن اول پیش از هجرت زندگی می کرده است. همین قصیده او که این مصراع هم از آن است، مشهورترین قصیده او و از معلقات است.

۳۱- شعر ابن رواحه را مثال می آورد و (ابن رواحه شعر طرفه بن عبد را) مثال می آورد: این خبرها را کسی برای تو می آورد که زاد و توشه طلب نمی کند.

۳۲- نهاية الأرب في فنون الأدب تألیف احمد بن عبد الوهاب نویری فرهنگ نامه یا دائرة المعارفی است جامع و از تمامی علوم و معارف اسلامی و فرهنگ عصر خویش و تاریخ عمومی جهان را از آغاز آفرینش و حوادث تاریخ اسلام تا سال ۷۳۱ق را در برمی گیرد. این مجموعه عظیم در بیش از ۳۰ جلد تنظیم گشته و دانش های گوناگون را آنقدر به تفصیل برگزار کرده است که تنها چند جلد آن مرجعی پربار برای تحقیقات ادبی و بلاغی است.

۶- منابع

- ۱- اسماعیل پاشا، /یضاح المکنون فی شرح الظنون. بیروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۳۷۸ق).
- ۲- انجمن دایرة المعارف افغانستان، دایرة المعارف افغانستان، کابل: مطبعة دولتی کابل، (۱۳۴۸ق).
- ۳- ترمذی، ابو عیسی، الشمائل المحمدیه، بیروت: دار إحياء التراث العربي، (۱۴۱۲ق).
- ۴- حاجی خلیفه، کشف الظنون، ج ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه، (۱۳۷۸ش).

- ۵- حافظ هروی، محمدحسین بن محمد، *نظم‌الشمایل*، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ۱۸۲۴۰، بدون کاتب، (تملک به تاریخ ۱۳۳۱ش).
- ۶- خیامپور، عبدالرسول، *فرهنگ سخنوران*، تهران: طایفه، (۱۳۶۸ش).
- ۷- درایتی، مصطفی، *فهرستگان (نسخه‌های خطی ایران- فنخا)*، ج ۳۳، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، (۱۳۹۰ش).
- ۸- -----، *دنا (فهرست دست‌نوشته‌های ایران)*، ج ۱۰، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، (۱۳۸۹ش).
- ۹- دهخدا، علی اکبر، *لغت‌نامه*، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا، (۱۳۵۹ش).
- ۱۰- شمیسا، سیروس، *سبک‌شناسی شعر*، تهران: میترا، (۱۳۸۸ش).
- ۱۱- قمی، شیخ عباس، *سیمای پیامبر خدا (ص) یا ترجمه مختصر الشمائل المحمدیه*، تهران: در راه حق، (۱۳۶۶ش).
- ۱۲- محمدی، رمضان، «شمایل‌شناسی رسول خدا (ص)». *جمال آفتاب*، ماه کتاب جغرافیا و تاریخ، ش ۶۱ و ۶۲، صص ۱۶۲ تا ۱۶۹، (۱۳۸۱ش).
- ۱۳- مهدوی دامغانی، محمود، *شمائل النبی*. تهران: نی، (۱۳۸۳ش).
- ۱۴- نصیری، محمدرضا، *اثرآفرینان (زندگینامه نام‌آوران فرهنگی ایران؛ از آغاز تا سال ۱۳۰۰ هجری شمسی)*، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، (۱۳۸۴ش).